



اولین کارش فیلم سینمایی «غیرمنتظره» کار محمدهادی کریمی بود و در آنجا نقش یک مدل را بازی کرد. بسیاری به دلیل چهره، استایل، پوشش و تیپش که داشت، نظرشان این بود که یک ستاره جدید به سینمای ایران معرفی شده اما دیدیم که بعد از یکی، دو کار تقریباً از سینما محو شد. به نظر من علاقهای که آقای به عکاسی، مدلینگ و خاص بودن دارد به او کمک کرده ولی بازیگری او صرفاً در این مسائل خلاصه نمی‌شود. قابلیت‌های بازیگری که دارد و تعادلی که در نقش‌های بین درونگرایی و برونگرایی می‌تواند داشته باشد وجه تمایز او و نکته قابل توجهی است که تا کنون او را سر پا نگاه داشته و در ادامه حتی می‌تواند به عنوان بازیگر نقش اول و یک تیپ قهرمان در سینمای ایران حاضر شود. اگر بخواهم از فیلم‌های اخیر مثال بزنم شاید می‌توانستیم آقای را در فیلم «روز صفر» به عنوان یک قهرمانی که تماشاگر می‌تواند با او ارتباط برقرار کند، ببینیم.

تحلیل نقش و بنیان چارت ذهنی در ایجاد ساختمان نقش

از اولین حضور جدی‌اش در «ارتفاع پست» و نقش متفاوتش در «زن دوم» و حتی بعدتر «مرگ کسب و کار من است»، «سعادت آباد» و «زندگی خصوصی» که نقش کوتاهی در آن داشت و «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت»، «بدون تاریخ، بدون امضا» که از فیلم‌های قابل توجه او هستند تا به امروز نقش‌های متفاوتی را بازی کرده که بدون مطالعه و تحلیل نقش قطعاً نمی‌توانست در این دایره از نقش‌ها موفق باشد. او دو سال قبل در جشنواره فیلم فجر

در «دیدن این فیلم جرم است» نقش آفرینی کرد که به نوعی ادامه نقش او در مجموعه «راستش را بگو» بود. بازیگری که در این مجموعه توانسته بود در نقش شهید چمران بازی کند، در نقش سرداری ظاهر شده که در زمان اکران شاید بتواند برای یک سری از مخاطبان، به نوعی تداعی‌کننده سردار قاسم سلیمانی باشد. اولین بازی او بعد از «دیدن این فیلم جرم است»، «شنای پروانه» بود و این یعنی او دو نقش کاملاً متفاوت را در یک فاصله کوتاه بازی کرده‌است. آقای بازی ضعیف هم داشته و در بعضی نقش‌ها خنثی و یا خیلی معمولی بوده اما وقتی در کل کارنامه کاری او را مرور می‌کنیم می‌توانیم بگوییم که بازیگر موفقی بوده‌است. از نظر من یکی از شاخص‌های این موفقیت تحلیل نقشی است که برای بازی‌اش دارد.

موفق در بروز خشم و متفاوت با بازیگران وراکت

کاراکترهایی که از نوید محمد زاده و حامد بهداد دیده‌ایم صرفاً با بازی‌های برونگرا مطرح شده‌اند ولی امیر آقای به وجه متمایز این دو بازیگر دارد. درست است که در بروز خشم تبخیر دارد ولی بازی او صرفاً در این برونگرایی خلاصه نمی‌شود. به واسطه اینکه خشم و عصبانیت در نقش آفرینی او از یک بازی کاملاً درونی برمی‌آید برای تماشاگر خیلی قابل توجه است و از نظر من علت اصلی ارتباط او با تماشاگر همین مساله است. همانطور که گفته شد آقای در «سعادت آباد» همین خصوصیت را داشت و راجع به فیلم‌های قابل توجه دیگرش هم می‌توان

مثال زد که این مساله را چقدر خوب توانسته پررنگ کند. در مجموعه «اولین شب آرامش» که یکی از بهترین سریال‌های تلویزیون بود نیز دقیقاً همین تیپ را داشت. او در این مجموعه شخصیتی آرام و درونگرا بود و در لحظاتی مرموز و ترسناک می‌شد. کاراکتری که تلاش می‌کند تا به عشقش برسد اما با فاجعه‌ای مواجه می‌شود و وقتی احساس می‌کند که بازی خورده، دچار یک فوران احساس شده و ما باز در آنجا هم خشم و عصبانیت را در بازی او می‌بینیم. فکر می‌کنم این سبک بازی یک ویژگی قابل توجه در نقش آفرینی آقای باشد که با بهداد و محمدزاده وجه تمایز دارد. البته بهداد در ادامه نشان داد که در نقش‌های درونگرا هم بازیگر قابل توجهی است که نمونه بارزش فیلم «زندگی جای دیگری است» بود که در تمام طول فیلم یک بازی درونگرا از او می‌بینیم.

زیبایی‌اش اما باشکوه‌اش

در حال حاضر بازیگرانی که با زیبایی مطرح بوده‌اند اکثراً محو شده‌اند. در این میان نمونه‌ای داریم که به واسطه زیبایی در سینما بوده، اما بازیگر خوبی هم هست و توانسته مسیر را ادامه دهد ولی به نظر من مخصوصاً در شرایط فعلی برای بازیگر مرد، زیبایی ویژگی ماندگاری نیست که بخواهد به واسطه آن در سینما بماند. بازیگرانی که صرفاً بتوانند به مدت چند سال به دلیل این مشخصه در سینما باشند تعدادشان انگشت‌شمار است. در حال حاضر کسانی که جزو بازیگران محبوب سینما و تلویزیون هستند مثل حامد بهداد و یا نوید محمدزاده که اکنون به نوعی جوان



صدای آقای به یکی از ویژگی‌های قابل توجه نقش آفرینی اوست که می‌تواند بازی با لحن هم داشته باشد. برای مثال کاراکتر او در «کوچه بی‌نام» و «حریم شخصی» که در آن یک نوع خاص شخصیت را بازی کرده بود، یا حتی کارهایی که با ابراهیم حاتمی‌کیا داشته مثل «سریال خاک سرخ» و فیلم‌های «ارتفاع پست»، «بادیگارد»